

لیکچرستان

سفرنامه و عکس‌های



ناجیکستان، آذربایجان و گرجستان



منصور خاکیان

بی‌زمستان

سفرنامه عکس‌های تاجیکستان، آذربایجان و گرجستان

نویسنده: منصور ضابطیان

طراح گرافیک: حبیب ایلون

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۸ / ۲۲۰۰ نسخه / ۳۲۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۸۲-۱۷-۸

www.mosallas.com

info@mosallas.com

 MOSALLAS_PUBLICATIONS

نشر مثلث: تهران، کدپستی ۱۴۱۶۶۳۳۵۶۳

تلفن: ۸۸۹۹۶۴۸۰-۸۲

ح) تمامی حقوق برای نشر مثلث محفوظ است.

سرشناسه: ضابطیان، منصور، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور: بی‌زمستان: سفرنامه و عکس‌های تاجیکستان، گرجستان و آذربایجان/ منصور ضابطیان.

مشخصات نشر: تهران: نشر مثلث، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.: مصور/ بخشی رنگی).

شابک: 978-600-8482-17-8

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: ضابطیان، منصور، ۱۳۴۹ - -- سفرها-- خاطرات

موضوع: سفرنامه‌های ایرانی -- قرن ۱۴

موضوع: Travelers' writings, Iranian -- 20th century

رده‌بندی کنگره: G۴۶۵

رده‌بندی دیویی: ۹۱۰/۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۲۸۳۰۹



۱۳ مقدمه

۱۷ تاجیکستان / دوشنبه‌ی بهار

۶۱ جمهوری آذربایجان / تابستان آذری

۱۰۹ گرجستان / پاییز تفلیس

www.ketab.ir



تصور خیلی‌ها از سفر، رفتن به جایی بسیار دور است، در حالی‌که گاهی وقت‌ها همین نزدیکی‌ها هم اتفاق‌های خوبی می‌افتد. وقتی خود «سفر» در ذهن اصالت پیدا کند، حتی یک جابه‌جایی یک‌روزه هم می‌تواند حال آدم را بهتر کند. از این رو علاقه‌مندان سفرهای فرامرزی گاهی می‌توانند در همین دور و اطراف هم تجربه‌های هیجان‌انگیزی را از سر بگذرانند؛ در سرزمین‌هایی که از نظر جغرافیایی فاصله‌ی چندانی با ما ندارند، گرفتن ویزایشان چندان سخت نیست و هزینه‌های کمتری به مسافرها تحمیل می‌کنند.

کتاب پیش رو قرار بود تجربه‌ی سفر به چهار کشور نزدیک در چهار فصل مختلف سال باشد. تاجیکستان را در نوروز و بهار تجربه کردم، آذربایجان را در تابستان و گرجستان را در پاییز. با خودم قرار داشتم در زمستان به یک کشور سردسیر در همین اطراف بروم تا تجربه‌ای چهارگانه را که نخ تسبیح‌شان فصل‌هاست در قالب یک کتاب منتشر کنم. اما روزهای زمستان یک‌به‌یک

Main road

Secondary road

گذشتند و گرفتاری‌های متعدد و مشغله‌های کاری سفر را عقب انداخت. مهم‌ترین خطر این بود که اگر زمستان تمام می‌شد، کتابی که بخش عمده‌ی آن نوشته شده بود باید دست‌کم تا یک سال دیگر منتظر می‌ماند. درست در همان روزهایی که نگران این مسئله بودم، دوستان لیلی رشیدی مرا به نمایشی دعوت کرد که در آن بازی داشت. یک عصر سرد زمستانی به تماشای تئاترش رفتم. قصه‌ی نمایش مربوط به رابطه‌ی یک خانم مدیر دبستان بود که شوهرش را به عنوان یک نقاش به مدرسه می‌آورد تا روی دیوارهای مدرسه نقاشی کند. اختلاف‌های این دو دستمایه‌ی اصلی نمایش بود و همه چیز به تابستان و تعطیلات آن حواله داده می‌شد. تابستانی که در نمایش هیچ‌وقت به آن نمی‌رسیدیم.

نمایش را امیررضا کوهستانی نوشته و کارگردانی کرده بود و اسمش را هم گذاشته بود «بی‌تابستان».

درست وقت برگشت، زمانی که پشت چراغ قرمز خیابان حافظ، برف پاک‌کن را زدم تا دانه‌های باران را از روی شیشه‌ی ماشین پاک کنم، با خود گفتم چرا کتاب من «بی‌زمستان» نباشد؟

سه فصلی که هیچ‌وقت به فصل آخر نمی‌رسد. تا به خانه رسیدم تصمیم را گرفته بودم. کتاب را بدون زمستان چاپ می‌کنم تا نخواهد منتظر بماند. حالا شما یک کتاب درباره‌ی تاجیکستان و آذربایجان و گرجستان دارید که زمستان ندارد و همین‌جا قول می‌دهم روزی کتابی درباره‌ی یک کشور کاملاً سردسیر در زمستان بنویسم و تجربه‌های زندگی در چنین سرزمینی را با شما قسمت کنم.

اما درباره‌ی نثر این کتاب باید نکته‌هایی بگویم. در بخش اول که به سفر نوروزی‌ام به تاجیکستان مربوط می‌شود، شما نثری شبیه کتاب‌های همیشگی‌ام در اختیار دارید. همان قدر ساده و خودمانی. در بخش دوم و سفر تابستانی به جمهوری آذربایجان کمی جدی‌تر هستم. دلیلش هم مشخص است. این سفر به دعوت مؤسسه‌ی «نشنال جئوگرافی» انجام شده و درواقع گزارشی‌ست که به سفارش این مجله نوشته‌ام. طبیعی است که در تهیه‌اش ناگزیر بودم زبان مبنای این مجله را در نظر داشته باشم. البته شاید برای کسانی که چنین نثری

را از من نخوانده‌اند جذابیت تازه‌ای داشته باشد و اساساً ترجیح بدهند بعد از این با همین زبان بنویسم.

در بخش سوم سعی کرده‌ام مینی‌مالیستی‌تر و خلاصه‌تر بنویسم. ولی حال و هوا همان حال و هوای همیشگی است.

در پایان از آقایان نیما سلیمی، مدیر ارزشمند نشر مثلث و حبیب ایلون، طراح گرافیک خوش فکر و خانم‌ها لایلا هدایت پور و نیکی فرخوی سپاسگزاری می‌کنم و امیدوارم این کتاب بتواند علاقه‌مندان را به سفر به کشورهای نه چندان دور ترغیب کند.

منصور ضابطیان

تابستان ۱۳۹۸

۲